

نقش باورهای خودکارآمدی در موفقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

محمد رئیسی^۱، نادر آب سالان^۲، لقمان خورسند^۳، عبدالله ایرانی^۴

۱- کارشناسی علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان بندرعباس
mohamadraesi137440@gmail.com

۲- کارشناسی علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان بندرعباس
naderabsalan1373@gmail.com

۳- کارشناسی علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان بندرعباس
loghi2978@gmail.com

۴- کارشناسی علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان بندرعباس
abdullahirani74@gmail.com

چکیده

نظام های آموزشی در جوامع مختلف همواره درصدد شناسایی عوامل تأثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی و ارائه راه کارهایی برای تقویت این عوامل هستند. این عوامل می تواند جزء عوامل انگیزشی از جمله، باور خودکارآمدی باشد. نظام های آموزشی در طراحی برنامه های درسی و اجرای آن باید به این نکته توجه کنند که باور خودکارآمدی بالا می تواند در پیشرفت تحصیلی مؤثر واقع شود. براساس شواهد پژوهشی، باورهای خودکارآمدی به عنوان یک متغیر پیش بینی کننده قوی در پیشرفت و موفقیت تحصیلی تلقی می شود. معلمان، مشاوران و مسئولان آموزشی می توانند با شناخت بیشتر دانش آموزان و با تدوین برنامه های آموزشی کارآمد و مؤثر به آنهایی که دارای باورهای خودکارآمدی ضعیف هستند، کمک کنند و از این طریق منجر به ارتقای سطح موفقیت و پیشرفت تحصیلی شان شوند. با توجه به اهمیت باورهای خودکارآمدی در عملکرد افراد، پژوهش حاضر درصدد آن است تا به بررسی نقش باورهای خودکارآمدی بر موفقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بپردازد.

کلمات کلیدی: باورهای خودکارآمدی، موفقیت، پیشرفت تحصیلی، دانش آموزان.

مقدمه :

یکی از اساسی ترین نیازهای انسان، نیاز به موفقیت است. موفقیت برآیندی از توانایی های گوناگون افراد شامل توانایی های جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی آنان از یک سو و عوامل برانگیزاننده مانند علاقه، پشتکار و پاداش از سوی دیگر است (پوراتشی و همکاران، ۱۳۸۷). موفقیت به پاسخ یا عملی گفته می شود که طی آن شخص به هدف برسد. به بیان دیگر، موفقیت یک گام قطعی است که به سمت هدف برداشته می شود. در تعلیم و تربیت، موفقیت به درجه ای از کارایی اطلاق می شود که فرد به فراخور توانای هایش در پیشرفت های خود به رضایت شایسته می رسد (یدالهی و همکاران، ۱۳۹۳). موفقیت یا شکست تحصیلی بر انگیزش و یادگیری تاثیر می گذارد. به عبارتی دیگر، انگیزش نه تنها بر پیشرفت تحصیلی مؤثر است، بلکه خود نیز تحت تاثیر تجارب تحصیلی (موفقیت، شکست و پیامدهای آنها) قرار دارد. ویژگی های عاطفی یادگیرندگان، شامل علاقه و انگیزش آنان نسبت به درس، در جریان یادگیری هم نقش علت و هم نقش معلول را بازی می کند. تجارب یادگیری دانش آموزان در درس های مختلف وقتی به صورت موفقیت ها یا شکست های پی در پی اندوخته می شوند، به ایجاد تصورات و باورهایی در آنان نسبت به توانایی شان در یادگیری